

کنت دو مونت فورت نخستین رئیس پلیس ایران*

اقبال یغمائی

در سال ۱۲۹۵ هجری قمری، برابر ۱۸۷۸ میلادی، ناصرالدین شاه از فرانسوا ژوزف امپراتور اتریش درخواست کرد چهارتن را که در فن سپاهیگری دانا و ورزیده باشند برای خدمت در ایران اعزام دارد. امپراتور اتریش چنین کرد و چهار نفر را که هرکدام در رشته‌ای از فنون نظامی تخصص داشت به تهران فرستاد. یکی از افراد این هیأت کنت دو فرت Conte de Monteforte بود. کنت در سال ۱۲۵۵ هجری برابر ۱۸۳۹ میلادی در شهر ناپل تولد یافته بود و در جوانی به سپاهیان فرانسوای دوم پادشاه دوسیسیل پیوسته بود.

در سال ۱۸۶۰ میلادی مطابق ۱۲۷۷ هجری میان فرانسوای دوم و طرفداران گاریبالدی جنگی اتفاق افتاد. این جنگ که کنت نیز در آن شرکت داشت به شکست فرانسوای دوم پایان یافت و او با بیست تن از افسران که به وی وفادار مانده بودند به اتریش پناه برد. امپراتور اتریش که خواهر زن فرانسوای دوم را به زنی داشت و بدین‌گونه با وی هم‌پیوند بود او و همراهانش را به مهربانی پذیرفت.

* یغما، شماره ۲۸۸ (شهریور ۱۳۵۱)، ص ۳۴۷-۳۵۱.

کنت به شرحی که گذشت پس از چندین سال اقامت در اتریش در سال ۱۲۹۵ هجری به ایران آمد و ناصرالدین شاه وی را مأمور تشکیل سازمان نظمیه و تنظیم نظامنامه آن نمود.

کنت دو مونت فرت در سال ۱۲۹۶ هجری قانون جامعی برای پلیس ایران تنظیم کرد و به تصویب شاه رساند و مأمور اجرای آن شد. او که هوشمند و کاردان بود پس از مدتی بر اثر کوشش در حراست شهر و نظم بخشیدن به امور مورد توجه خاص شاه قرار گرفت، چنانکه روزی ناصرالدین شاه به مناسبت شایستگی و کفایتی که بارها از او دیده بود این رباعی را گفت و به وی فرستاد:

اندیشه کنند خیل رندان ز پلیس

یک جو نرود به خرج ایشان تلبیس

در کنده کنت فرت خواهد فرسود

در چرخ اگر خطا نماید برجیس

کنت در بدو ورود به تهران در خانه‌ای واقع در سر تخت بربری‌ها پشت پارک ظل‌السلطان ساکن شد؛ اما پس از مدتی چون شاه را بیش از آنچه توقع و امید داشت به خود مهربان دید برآن شد که تا پایان عمر در ایران بماند و چون آن خانه را فراخور حال و مقام خویش ندید زمین نسبتاً وسیعی در شمال خیابان لاله‌زار جایی که امروز جزئی از آن به نام و یاد او چهار راه کنت نامیده می‌شود از حاج ابراهیم‌خان ظهیرالدوله خرید؛ باغ بزرگ و زیبایی آراست و پس از اینکه عمارت باشکوهی در میان آن پرداخت با زن و دو پسر و یک دخترش بدان‌جا نقل مکان کرد.

کنت همیشه مورد احترام و اعتماد ناصرالدین شاه بود، او را نظم‌الملک

لقب داد؛ همه بزرگان ایران وی را می‌شناختند و نامش بر سر زبانها بود. نوشته‌اند روزی در محفلی کسی کاردانی و لیاقت و هوشیاری کنت را به مبالغه می‌ستود؛ یکی پرسید اگر کنت به حقیقت چنین سزاوار و نامبردار است چگونه در قرآن کریم که به‌فحوای لارطب و لا یابس الا فی کتاب مبین از همه چیز در آن سخن رفته ذکری از وی در میان نیامده است. آن کس به‌فور پاسخ داد یالیتنی کنت ترابا اشارت به اوست:

میرزا ابوتراب‌خان خواجه نوری معروف به نظم‌الدوله متولد به سال ۱۲۸۸ هجری که زبان فرانسوی را نیکو می‌دانست، معاون کنت دو مونت فرت بود و هم او بود که میرزا رضاخان کرمانی کشنده ناصرالدین شاه را استنطاق کرد. کنت چون در ایران زندگی آرام و پرآسایشی داشت و در میان درباریان و بزرگان دوستان فراوان یافته بود و محترم بود پس از چند سال اقامت مایل به تابعیت ایران شد و چند بار از شاه اجازت و فرمان طلبید.

از دو نامه‌ای که رونویسی آن به دنبال آورده می‌شود نخستین عریضه‌ای است که کنت در تقاضای تابعیت ایران به ناصرالدین شاه نوشته و دستور شاه به صدراعظم دایر به قبول تقاضای کنت؛ و نامه دوم عریضه اوست به مظفرالدین شاه در مطالبه طلبی که از کامران میرزا نایب‌السلطنه پسر ناصرالدین شاه داشته است.

کنت دو مونت فرت از سال ۱۲۹۶ هجری تا پایان عمرش در ایران ماند اما دوران وزارت نظمیّه او تا سال ۱۳۰۹ هجری بیشتر دوام نیافت و از آن پس علی‌رغم میل باطنی ناصرالدین شاه به کارهای تشریفاتی از جمله راهنمایی سفیران خارجی به دربار و اموری از اینگونه مأمور شد. توضیح اینکه پس از اینکه

ناصرالدین شاه بر اثر مخالفت مردم با قرارداد معروف به رژی (۱) و پشتیبانی مؤثر پیشوایان دینی از مخالفان، ناچار به لغو قرارداد انحصار تنباکو شد بنابر تعهدی که به پیشوایان دینی سپرده بود ناچار شد خارجانی را که در کارهای مهم دخالت داشتند معزول کند و یکی از آنها کنت دو مونت فرت بود که پس از سیزده سال وزارت نظمیه، عزل و کارش به محمد ابراهیم خان معاون الدوله سپرده شد.

کنت در زمان «ناصرالدین شاه» منصب امیر تومانی داشت و سالی سه هزار تومان حقوق و سهم علیق این منصب را می‌گرفت. پس از استقرار مشروطیت دولت به منظور تعدیل درآمد و هزینه، به حذف یا کاهش حقوق و مقرری حاشیه‌نشینان و از کارافتادگان پرداخت. حقوق «کنت مونت فورت» نیز به نصف کاهش یافت و در معاشش خللی پدید آمد. به اولیای امور شکوه‌ها کرد. جوابش ندادند. ناچار دست به دامان سفیر اتریش زد. او ضمن نامه‌ای که به مشیرالدوله وزیر خارجه نوشت خدمات‌های طولانی و پر اثر کنت را یاد کرد و از وی خواست موجبات ترمیم حقوق کنت را به میزان اول فراهم آورد. مشیرالدوله رونوشت نامه سفیر اتریش را با نظر موافق به مجلس فرستاد، اما پذیرفته نیامد.

سفیر اتریش چون از این راه مراد نیافت به شاه متوسل گردید. محمدعلی - شاه دستور داد حقوق کنت را به قرار اول پردازند. فرمان بردند و حقوق سالیانه کنت دگر بار سه هزار تومان معین شد و در زندگیش گشایش پدید آمد.

کنت تا زمان خلع محمدعلی شاه به کارهای کوچک اشتغال داشت. در سال ۱۳۳۵ هجری برابر ۱۹۱۶ میلادی درگذشت و جسدش در دولاب به خاک سپرده شد.

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم ، این غلام جان نثار از ابتدای ورود خود در ایران همواره از فرط و فزونی مرحام اقدس ملوکانه مورد الطاف بلا انقطاع قبله عالم ارواحنا فداه بوده که فی الحقیقه زبان در مقام شکر و سپاس آنها بر نمی آید و لال است. از آنجائی که قبل از دو سال دستخط آفتاب نقط اقدس همایونی صادر شده بود که کتترات این غلام برای پنج سال تجدید شود عقیده این غلام جان نثار این است که بعد از شانزده سال خدمت‌گزاری دولت ابد مدت گویا محتاج کتترات نباشد از آنجائی که این دولت را مثل وطن ثانی خود می داند و حامی و پناه از تفضلات و مبدول از کرم و عنایت کامله ملوکانه است از این جهت به جسارت عرض این عریضه عبودیت فریضه ورزیده و حقیرانه استدعا می نماید به جناب صدر اعظم امر و مقرر شود عوض تجدید کتترات این غلام یک فرمانی در حق این غلام مرحمت شود که این غلام و غلام‌زاده‌ها مثل چاکران حقیقی و غلامان عبدی این دولت ابد مدت شناخته باشیم که همواره در ظل مرحام و الطاف اقدس ملوکانه مشغول خدمت‌گزاری و جان‌فشانی خود باشیم امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

آتونو کنت دو مونت فورت

(امضاء به خط فرانسوی است)

شاه بر حاشیه بالای عریضه چنین فرمان داده است:

هو جناب صدراعظم نظم‌الملک و اولادش تمام رعیت دولت ایران و محتاج به تجدید قرارنامه نیستند باید خدمت کنند. قرارنامه لازم نیست قدغن کنید موجب او را موافق معمول همه ساله برات صادر کرده بدهند. قرارنامه لازم نیست. جیره او را هم محلی پیدا کرده بدهند که آسوده باشد. فرمانی هم صادر نمایید که خود و اولادش رعیت دولت و جزء نوکرها هستند. صحیح است.



قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم پنج سال قبل از این در زمان علیین آشیان رضوان مکان شاه شهید وقتی که این غلام جاننثار از ریاست وزیر نظمیہ معزول گردید در وجوهات اداره نظمیہ بعضی اغتشاش از جهت مبالغه گزافی که حضرت والا آقای نایب‌السلطنه از بودجه پولیس کسر می‌کردند و از مخارجات فوق‌العاده که به حکم معزی‌الیه کرده حاصل شده بود این بود که به حکم حضرت والا مجبوراً سه فقره قرض یکی به ضمانت جناب امین‌السلطان در بانک شاهنشاهی و دو فقره دیگر در بانک روس و دیگری پیش وکیل‌الدوله کرمانشاه به ضمانت حضرت والا کرده که نقضی وجوهات اداره را منتظم سازد. بعد از معزولی این غلام اعلیحضرت شاه شهید برای اصلاح این سه فقره قروض باغی که واقع است روبه‌روی خانه این غلام مرحمت فرمودند و امر و مقرر داشتند مجلس دارالشورا به ریاست جناب امین‌الدوله تشکیل یافته که این عمل قروض را رسیدگی نمایند. بعد از تجسس‌ات و تحقیقات معلوم گردید که این قرض ربط و دخلی به حال این غلام جاننثار ندارد و جناب امین‌الدوله به حضرت والا آقای نایب‌السلطنه در همان مجلس اظهار داشتند که این عمل راجع به حضرت والا است و یا حضرت والا یا دولت علیه باید قراری در اصلاح آنها بدهند. حضرت والا شکایت‌نامه این غلام را برداشته فرمودند که خودشان عمل را قطع خواهند نمود. حال پنج سال است که این فقره قروض همین‌طور مانده است زمین، و جز اینکه یکسال قبل جناب امین‌السلطان باغ مزبور را خریداری نموده قرض بانک شاهنشاهی را بدون ملاحظه سایر قروض اصلاً فرعاً پرداخته قراری در ادای ما باقی قرض داده نشده است. کراراً این غلام جاننثار در خاکپای

اعلیحضرت شاهنشاه شهید مصدع گردید کراراً دستخط اکید در اصلاح این عمل فرمودند ولی همواره به عهده تعویق و تأخیر افتاد. از این جهت عاجزانه از خاکپای معدلت پیرای اقدس همایون شاهنشاهی در مقام عرض و استدعا بر می-آید از انصاف مهر اتصاف شاهنشاهی مسئلت می‌کند امر و مقرر فرمایند این عمل مجدداً تحقیق شود یا این است که حضرت والا آقای نایب‌السلطنه از عهده مطالبات این غلام برآیند که ما باقی قروض را بپردازم یا اینکه اسناد امضای غلام را مسترد بدارند یا این است اگر رأی جهان آرای اقدس ملوکانه اقتضا فرمایند مجلسی انترناسیونال مشتمل از ایرانی و فرنگی تعیین شود این عمل را به‌دقت رسیدگی کرده به اختیار این مجلس فتوا داده شود زیرا که خلاف عدالت و انصاف است که بعد از هجده سال خدمتگزاری و جان‌فشانی محض خاطر این قروض مفتضح و مفلوک بمانم تا رای جهان آرای ملوکانه چه اقتضا فرمایند. الامر الاشراف الاقدس العلی مطاع مطاع مطاع.

کنت دو مونت فوت

(امضا به خط لاتین)

دستوری که مظفرالدین شاه بر روی پاکت صادر کرده است:

مشیرالدوله این فقره را وزیر دربار در مجلس طرح نموده با حضور وزرا رسیدگی و قرار حقانیت نظم‌الملک داده شود و به‌عرض برساند تا ثانیاً حکم آن بشود. صحیح است.

یادداشت‌ها

۱. ماژور جرالده تالبوت که از دوستان نزدیک لرد سالزبوری نخست‌وزیر وقت دولت انگلستان بود به تحریک و راهنمای او، درصدد کسب امتیاز انحصار تنباکو در ایران برآمد؛ و وقتی ناصرالدین شاه

در سفر سوم خود به اروپا، به انگلستان رسید تالبوت فرصت را غنیمت شمرد و پس از جلب موافقت میرزا علی اصغرخان اتابک و اعتمادالسلطنه شاه را با نزدیکانش به خانه خویش دعوت کرد و مجلسی شاهانه آراست. این پذیرایی که با خدمتگری لوندانه دختر جوان و زیبایی تالبوت گرمی به کمال یافته بود چنان پسند ناصرالدین شاه افتاد که در همان مجلس به نشان نوازشگری تصویری از آن دختر کشید و به او داد؛ و تالبوت بدین افسون و نیرنگ شاه را به واگذاری امتیاز انحصار تنباکو به مدت پنجاه سال رضا کرد.

تالبوت پس از بازگشتن شاه، ناشناخته به ایران آمد و پنهان از نظر مردم در سفارت انگلیس منزل گزید و به دید و بازدیدهای محرمانه و تهیه وسایل کار پرداخت. امین‌السلطان که متن امتیازنامه را پیش از ورود تالبوت به ایران نوشته بود با بیست و پنج هزار لیره که وی داده بود به شاه تقدیم داشت (هر لیره در آن زمان ۳۷ قران می‌ارزید) و قرارداد روز پنج‌شنبه ۲۸ رجب ۱۳۰۷ قمری برابر بیستم مارس ۱۸۹۰ مسیحی به امضاء رسید و امین‌السلطان و کامران میرزا نایب‌السلطنه و چند تن دیگر از درباریان منتقد و مؤثر در این معامله نیز چهارصد هزار تومان به رشوت گرفتند. کارگزاران تالبوت در محل باغ ایلخانی که خانه محمودخان کلانتر تهران بود (محلی که اکنون خزانه‌داری بانک ملی است) بنایی استوار ساختند و به کار پرداختند. اما بر اثر مبارزه جدی مردم کارشان پریشان شد و حمایت شاه و اتابک از تالبوت نه تنها مؤثر نیفتاد بلکه مردم را در مبارزه مصمم‌تر کرد. چنان‌که روزی که یک بازرگان اصفهانی را به تحویل دادن تنباکوهایش به کارگزاران صاحب امتیاز ناچار کردند بر او سخت گرفتند او بیست و چهار ساعت مهلت گرفت و پیش از پایان رفتن این مدت دوازده هزار کیسه تنباکو را که برای صادر کردن به خارج و مصرف داخل آماده کرده بود به آتش سوزاند.

اندک‌اندک کار مبارزه بالا گرفت و حمایت مؤثر پیشوایان دینی سامرا و نجف و روحانیان مقیم ایران که منجر به تحریم استعمال تنباکو شد شاه را ناچار به لغو امتیاز کرد و قرارداد مشروط به پرداخت غرامت، روز هفتم رمضان ۱۳۰۹ باطل گردید. مبلغ خسارت پانصد هزار لیره انگلیسی معین و دولت به پرداخت آن با ربح پنج درصد به مدت چهل سال. متعهد شد اما پس از مدتی دولت انگلیس به جهاتی که شرح آن در اینجا زائد است، به منظور پرداخت غرامت وامی به ایران داد و گفتمنی است که این اولین استقراض ایران از دولت‌های بیگانه است.